

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: توماج

۱۰/۱۲/۱۶

دیپلماسی سری و افشاءگری های ویکی لیکس

دولت های بورژوائی از آگاهی توده های مردم هراس دارند. آن ها همواره کوشیده اند طبقات فرودست را در ظلمت و ناآگاهی نگاه دارند. نفع طبقاتی بورژوازی ایجاب می کند که حقیقت از چشم توده های کارگر و زحمتکش پوشیده بماند تا آنها را در انقیاد و اسارت نگهدارند. از این رو تمام وسایل و روش های ممکن را به خدمت می گیرند تا مانع از آن شوند، حقیقت برملا شود و توده ها آگاه گردند

همین واقعیت که بر سیاست داخلی دولت ها جاری و حاکم است، به عرصه سیاست خارجی نیز بسط می یابد و به عریان ترین و رسواترین شکل، خود را در روش ها و شیوه های پیشبرد و تحقق اهداف سیاست خارجی آنها، در دیپلماسی سری، به نمایش می گذارد.

دولت های سرمایه داری، در مناسبات خارجی خود، همه چیز را با ادعاهای موهوم امنیت و منافع ملی، به دور از چشم مردم، در خفا پیش می برند. بدون اطلاع و آگاهی مردم در پشت درهای بسته مذاکره و بده و بستان دارند. قراردادهای مخفی امضاء می کنند. به توطئه، آدم کشی و جاسوسی علیه یکدیگر متوسل می شوند. قرار و مدار تدارک جنگ ها و اشغال سرزمین های دیگران را می گذارند. بازارهای جهان را میان خود تقسیم می کنند و توده های زحمتکش مردم از آنچه که در پشت درهای بسته و در زد و بندها و مذاکرات سری آن ها گذشته است، بی خبر می مانند.

افشای صدها هزار سند وزارت دفاع و خارجه دولت امریکا توسط سایت ویکی لیکس که از اوایل سال جاری میلادی آغاز گردید، با انتشار موج جدید مکاتبات سفارت خانه ها و کنسولگری های امریکا در یک ماه اخیر، انعکاس گسترده در سراسر جهان یافت. این افشاءگری ها هم اکنون به یکی از مهم ترین مسایل سیاسی مورد بحث در میان دولت ها، رسانه ها و مردم سراسر جهان تبدیل شده است.

اهمیت این مسأله در کجاست که این همه واکنش را برانگیخته است؟ چه چیزی در این اسناد نهفته است؟ تا چه حد اسنادی واقعاً سری اند؟ تا چه حد ابعاد دیپلماسی مخفی را بازتاب می دهند؟ چه عواملی در انتشار آن ها دخیل اند و سرانجام توده های مردم چه چیزی باید از این افشاءگری ها بیاموزند؟

ویکی‌لیکس از سال ۲۰۰۶ که به عنوان یک سایت اینترنتی راه‌اندازی شد، کار خود را با افشاءگری‌های سیاسی آغاز نمود. از سازمان‌دهندگان این سایت به جز افرادی محدود اطلاعاتی انتشار نیافته است. تنها اعلام شده است که ویکی‌لیکس به عنوان یک سازمان "غیر انتفاعی رسانه‌ی جدید بین‌المللی" در سویدن به ثبت رسیده است و توسط گروهی از روزنامه‌نگاران، مخالفان دولت چین، ریاضی‌دان‌ها و فعالان عرصه‌های کامپیوتر اداره می‌شود. وقتی که این سایت راه‌اندازی شد، اعلام نمود که هر مدرکی که جنبه خبری داشته باشد و نتواند در رسانه رسمی چاپ شود، انتشار خواهد داد. حیطة کار خود را عمدتاً افشای رژیم‌های سرکوبگر در آسیا، کشورهای بلوک پیشین شوروی، منطقه خاورمیانه و آفریقا اعلام نمود. اما در عین حال گفت که به مردم تمام مناطق برای افشای رفتار غیر اخلاقی دولت‌ها و شرکت‌ها کمک خواهد کرد. پیش از افشاءگری‌های چند ماه اخیر، موارد متعددی از افشاءگری‌های منفرد در مورد دولت‌ها، شرکت‌ها، احزاب و افراد داشت که به گفته دست‌اندرکاران این سایت به حدود ۱۰۰ مورد شکایت و پرونده انجامیده است. در سال ۲۰۰۸ صدها سند در مورد فعالیت‌های یک بانک سوئیسی انتشار داد که به تعطیل موقت سایت انجامید. در جریان انتخابات ریاست جمهوری امریکا تعداد زیادی از نامه‌های الکترونیکی، عکس‌ها و آدرس‌های سارا پلین، نامزد معاونت ریاست جمهوری از حزب جمهوری‌خواه را که جنجال بزرگی در امریکا ایجاد نمود، افشاء کرد. یکی دیگر از افشاءگری‌های مهم آن، افشای دستورالعمل عملیاتی در ارتباط با نحوه رفتار با زندانیان بازداشتگاه گوانتانامو بود. افشاءگری‌های متعددی در مورد رژیم‌های سرکوبگر آفریقا انجام داد و در سال ۲۰۰۹ جایزه رسانه‌ی سازمان عفو بین‌الملل به خاطر افشای قتل‌ها و آدم‌کشی‌های فراقانونی در کنیا به این سایت تعلق گرفت. شهرت این سایت با افشاءگری‌هایش علیه جنگ امریکا در عراق و افغانستان فوق‌العاده افزایش یافت. در اپریل سال ۲۰۱۰ ویدئویی از کشتار ۱۲ غیر نظامی از جمله دو خبرنگار رویترز توسط هلی‌کوپترهای امریکائی در عراق در سال ۲۰۰۷ را انتشار داد که فرستنده‌های تلویزیونی سراسر جهان آن را پخش کردند. در ماه جولای، یک مجموعه نزدیک به ۷۷ هزار سند از اقدامات جنگی نیروهای نظامی امریکا در فاصله ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ را در افغانستان منتشر ساخت که اسناد متعددی از آن به افشای جنایات جنگی و کشتار مردم غیر نظامی اختصاص یافته بود. در اکتبر سال جاری نیز حدود ۴۰۰ هزار سند دیگر را در مورد جنگ امریکا در عراق، این بار هماهنگ با سازمان‌های رسانه‌ی مهم جهان علنی کرد. در نوامبر ۲۰۱۰ ویکی‌لیکس اعلام نمود که ۲۵۱ هزار سند از مکاتبات ۲۷۴ سفارت‌خانه و کنسولگری امریکا با وزارت امور خارجه این کشور را انتشار خواهد داد که تاکنون تنها بخش کوچکی از آنها انتشار یافته است و منجر به بازداشت مدیر سایت، ژولیان آسانژ گردید.

تا جایی که روشن است این اسناد واقعی هستند و دولت امریکا نیز آن را انکار نکرده است. اولین سؤالی که پیرامون این اسناد پیش می‌آید، این است که این اسناد حقیقتاً تا چه حد محرمانه‌اند و تا کجا افشاگر ماهیت دیپلماسی سری دولت‌ها. اسناد انتشار یافته عموماً مکاتبات روزمره‌ای هستند که سفارت‌خانه‌های هر کشوری با وزارت امور خارجه کشور خود دارد. محتوای این مکاتبات در برگیرنده حیطة وسیعی از گزارشات کم اهمیت تا مسایل فوق‌العاده مهم است که در طبقه‌بندی دیپلماسی سری بر آن‌ها مهر به کلی سری زده می‌شود. تا جایی که این اسناد توسط ویکی‌لیکس علنی شده‌اند، موارد بسیار محدودی را می‌توان یافت که در زمره اسناد به کلی سری جای گیرند. اسناد مربوط به جنگ در عراق و افغانستان عموماً آن‌چه را بازگو می‌کنند که قبلاً به اشکال مختلف از طریق رسانه‌ها علنی شده بودند. این که ارتش امریکا دست به چه جنایات فجیعی می‌زند و افراد غیر نظامی را به قتل

می‌رساند، تعداد افرادی که در عراق به قتل رسیده‌اند، هزاران تن بیش از رقمی است که رسماً اعلام شده است، دار و دسته‌های فاسد حاکم بر عراق و افغانستان چگونه دزدی و غارت می‌کنند، سران آن‌ها جوخه‌های مرگ و ارتش‌های خصوصی در اختیار دارند، با جمهوری اسلامی ایران زد و بند دارند، جمهوری اسلامی دخالت آشکار در این کشورها دارد و حتا نیروهای شبه نظامی وابسته به آن در عراق، عملیات نظامی انجام می‌دهند و ده‌ها و صدها مورد دیگر مسایل پوشیده‌ای نبوده و نیست. این که در خاورمیانه، عربستان، شیخ‌نشین‌های حاشیه خلیج، بحرین، ابوظبی و امثالهم اصلی‌ترین منابع تغذیه مالی گروه‌های اسلام‌گرای سنی، القاعده، طالبان و لشکر طیبه هستند، پوشیده نبوده و نیست. این که دولت‌های عربی منطقه، عموماً در بلوک‌بندی مقابل جمهوری اسلامی قرار دارند و همسو با اسرائیل خواهان دخالت نظامی و جنگ امریکا علیه جمهوری اسلامی هستند، آشکار بوده و هست. این که دستگاه جاسوسی امپریالیسم امریکا حتا در درون کشورها و سازمان‌های بین‌المللی دوست و مورد اعتماد دولت امریکا نیز اقدام می‌کنند، به دبیر کل سازمان ملل هم اطمینان ندارد، مراکز حساس کشورهای همپیمان خود را شناسائی و تحت مراقبت قرار می‌دهد، این که دولت امریکا با دولت‌های همپیمان خود تضاد و اختلاف دارد و شرکت‌های انحصاری رقیب انحصارات امریکائی را تحت کنترل قرار می‌دهد و ده‌ها هزار سندی که پیرامون این مسایل انتشار یافته، به دفعات در رسانه‌های کشورهای سرمایه‌داری مورد بحث، اظهار نظر و تحلیل قرار گرفته است. اما به جز در مواردی بسیار محدود، نمی‌توان از مذاکرات، زد و بندها، و توافقات مهم سیاسی، نظامی و اقتصادی که همواره میان دستگاه دیپلماسی امریکا با دولت‌های دیگر و شرکت‌ها و انحصارات آن‌ها در جریان است، اثری پیدا کرد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اسناد به کلی سری از این مجموعه‌های انتشار یافته کنار گذاشته شده‌اند. یا توسط آن‌هایی که این اسناد را در اختیار ویکی‌لیکس قرار داده و یا توسط گردانندگان این سایت و روزنامه‌های دست اندرکار انتشار آن‌ها.

با این وجود آیا این بدان معناست که افشای این اسناد فاقد اهمیت است؟ به هیچ‌وجه.

انتشار این اسناد در همین محدوده، لااقل گوشه‌هائی از فجایع دیپلماسی سری را بر مردم سراسر جهان آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که چگونه دولت‌های سرمایه‌داری، حقیقت را از چشم مردم پنهان می‌دارند، به آن‌ها دروغ می‌گویند، در پشت درهای بسته مذاکره می‌کنند و تصمیم می‌گیرند، بدون این که توده مردم از آن‌ها آگاه شوند. در عین حال این اسناد، بر صحت موضع‌گیری‌ها و تحلیل‌های به ویژه سازمان‌های رادیکال و کمونیست در مورد سیاست‌های ارتجاعی دولت امریکا و عموم دولت‌های سرمایه‌داری و نقش دیپلماسی سری در سیاست خارجی این دولت‌ها برای در ناآگاهی نگاه داشتن توده‌های مردم، مهر تأیید می‌زنند. بنابراین تا این حد که به بیداری و آگاهی مردم کارگر و زحمتکش یاری می‌رسانند و نقش دیپلماسی سری را در سیاست خارجی دولت‌ها برملا می‌کنند، حائز اهمیت‌اند.

از همین روست که دولت امریکا شدیداً بر سر افشای این اسناد واکنش نشان داد و به رغم ادعاهای عوام‌فریبانه خود در مورد جریان آزاد اطلاعات و رعایت آزادی بیان و نشر، نتوانست آن را تحمل کند. سران و مقامات دولت امریکا همگی انتشار این اسناد را محکوم کردند و اقدامات متعددی را برای توقف آن‌ها به مرحله اجرا درآوردند. سرویس اطلاعاتی امریکا در یک نامه سری، سایت ویکی‌لیکس را تهدیدی برای ارتش امریکا معرفی نمود. با انتشار اسناد، وزیر خارجه امریکا انتشار آن‌ها را محکوم کرد و آن را باعث ایجاد اختلاف میان کشورهای جهان اعلام نمود. وزیر دفاع این کشور انتشار این اسناد را باعث به خطر افتادن جان سربازان امریکائی در عراق و

افغانستان دانست و گفت: این اقدام لطمه به حیثیت و اعتبار امریکاست. رئیس کمیته امنیت ملی مجلس نمایندگان، ویکی‌لیکس را خطری جدی و آشکار معرفی نمود که امنیت امریکا را مورد تهدید قرار داده است. اعضای کنگره امریکا خواهان تعیین این سایت به عنوان یک سایت تروریست خارجی شدند. حتی سخن از اعدام دست اندرکاران این سایت به میان آوردند. مشاور امنیت ملی کاخ سفید با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که افشای اطلاعات طبقه‌بندی شده، زندگی امریکائیان و شرکای ما را به خطر انداخته و امنیت ما را مورد تهدید قرار داده است. سرانجام، مقامات امریکائی درخواست نمودند که انتشار بقیه اسناد متوقف شود. یک سخنگوی ویکی‌لیکس این پیشنهاد را رد کرد و گفت: "اگر ثبات دنیا بر روی دروغ و فریب استوار است، زمان آن رسیده که پایه‌های این ثبات اندکی به لرزه درآید".

دولت امریکا با آغاز انتشار آخرین سری اسناد، اقدامات عملی خود را برای متوقف ساختن آن‌ها تشدید کرد. سرورهای ارائه دهنده خدمات به این سایت پی در پی مورد حمله قرار گرفتند و یا زیر فشار دولت امریکا از ارائه خدمات خودداری کردند. مؤسسات بانکی، حساب‌های سایت را بلوکه کردند. اما اقدام جدی‌تر، دستگیری مدیر سایت بود که از پیش تدارک آن دیده شده بود. آن‌گونه که اکنون برخی رسانه‌ها خبر می‌دهند، سازمان جاسوسی امریکا طراح ماجرائی بود که توجیه دستگیری وی شود. این ماجرا آن‌گونه که روزنامه‌های سوئدنی به نقل از گزارش پولیس این کشور، خبر آن را منتشر کرده‌اند از این قرار است که یک زن سوئدنی به نام آنا که در دانشگاه اوپسالا مشغول به کار است، با ارسال یک ای - میل به مدیر این سایت و معرفی خود به عنوان یک فعال سیاسی و حقوق زنان، روزنامه‌نگار و علاقه مند به کشورهای امریکای لاتین و غیره از وی دعوت می‌کند که در اجلاس "جنبش برادری" یک سازمان مسیحی وابسته به حزب سوسیال دمکرات سوئد، سخنرانی کند. این دعوت پذیرفته می‌شود و در ۱۴ اوت، ژولیان آسانز، در این اجلاس حضور می‌یابد. وی در منزل آنا ساکن می‌شود و گویا در دو مورد با یکدیگر رابطه‌ی سکسی برقرار می‌کنند. در جریان سخنرانی، سر و کله زن دیگری به نام سوفیا به عنوان عکاس پدیدار می‌شود که خود را علاقه مند به فعالیت ویکی‌لیکس و در ارتباط با حزب پیرات معرفی می‌نماید. او را به منزل خود دعوت می‌کند و همان ماجرا در این جا نیز تکرار می‌گردد. دو روز بعد، آنا و سوفیا که گویا برای نخستین بار در همین اجلاس با هم آشنا می‌شوند با یکدیگر تماس تلفنی می‌گیرند، و هر دو روز ۲۰ اوت به پولیس مراجعه می‌کنند و اظهار می‌دارند که قربانی سوء استفاده جنسی شده‌اند. مدیر سایت ویکی‌لیکس تحت تعقیب قرار می‌گیرد. تا جایی که برخی منابع خبری و روزنامه‌نگاران قضیه را دنبال کرده‌اند، روشن شده است که آنا از همکاران نزدیک فراریان کوبائی در امریکاست که سرنخ آن در دست سازمان‌های جاسوسی امریکا "سیا" است. آنا را یک عامل سیا معرفی کرده و تمام ماجرا را صحنه‌سازی سازمان جاسوسی امریکا برای به دام انداختن مدیر سایت ویکی‌لیکس می‌دانند. خود وی تا پیش از بازداشتش اظهار نظر مشخصی در مورد اصل ماجرا نکرد و تنها در مصاحبه با شبکه خبری الجزیره گفت: "طرح این مسایل بخشی از کارزار تخریبی علیه ویکی‌لیکس است". روز ۱۸ نومبر دادگاهی در سوئد دستور دستگیری وی را به اتهام تجاوز و خشونت جنسی صادر کرد. وکیل سوئدنی وی می‌گوید:

"پولیس بین‌الملل یک روز پس از آن که این سایت اقدام به بزرگترین افشاءگری خود کرد، حکم بازداشت وی را به اجراء گذاشت... این گمان وجود دارد که برخی از کشورها می‌خواهند وی را به امریکا تحویل دهند. سوئد این مسیر را کوتاه می‌کند." بدون علت نبود که دادگاه انگلیس، جایی که او خود را به پولیس معرفی نمود، از آزادی وی

به قید وثیقه خودداری نمود و او را در بازداشت‌گاه نگه داشت. رد پای سازمان‌های جاسوسی و دیپلماسی سری دولت‌ها به وضوح بر سر همین ماجرا نیز دیده می‌شود. ادامه ماجرا به تصمیم دولت انگلیس موکول می‌گردد. بر سر اسناد افشاء شده، یک سوال مهم هنوز بدون جواب مانده است. این اسناد توسط چه کسانی و با چه هدفی در اختیار سایت ویکی‌لیکس قرار گرفته است؟ بعید به نظر می‌رسد، آن‌گونه که اکنون شایع است، تمام نقل و انتقال این اسناد توسط یک نفر انجام گرفته باشد. تضادهای درونی هیأت حاکمه آمریکا و حتا دولت‌های رقیب می‌تواند در این میان نقش داشته باشد. اقدامات گروه‌هایی از هکرها را هم که در توهّم جریان آزاد اطلاعات اند و مخالف انحصار اطلاعات هستند، نمی‌توان نادیده انگاشت. اما اصل قضیه هر چه باشد، در هر حال یک چیز مشخص است. انتشار این اسناد نتیجه نوعی از هم‌گسیختگی در درون دولت آمریکا و طبقه حاکم بر این کشور است که به درون دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی، نظامی و دیپلماتیک آن نیز رسوخ کرده است. این خود نتیجه بحران‌های متعدد و نارضایتی‌های مردم امریکاست که امپریالیسم آمریکا اکنون با آن‌ها روبروست.

دولت آمریکا عجالتاً یک سرباز به نام برادلی منینگ را به اتهام استفاده غیر مجاز و افشای اطلاعات طبقه‌بندی شده بازداشت کرده است. بر طبق اسنادی که در ویکی‌پدیا انتشار یافته است، یکی از هکرهای معروف به نام آدریان لامو، اطلاعاتی از این فرد در اختیار دستگاه اطلاعاتی آمریکا قرار داده و گفته است در یکی از گفتگوهای اینترنتی با منینگ وی مسؤولیت انتقال اسناد را به ویکی‌لیکس پذیرفته است. یک مقاله در واشنگتن پست می‌گوید: منینگ توهمی به سیاست خارجی آمریکا نداشت و بر این عقیده بود که اسناد دیپلماتیک، زد و بندهای سیاسی پشت پرده و جنایتکارانه را افشاء می‌کند و امیدوار بود که افشای ویدئوها به یک رسوائی بزرگ بینجامد و به مباحثات و مناظرات جهانی و اصلاحات بینجامد. ویکی‌لیکس از تأیید هویت منینگ به عنوان منبع فاش شدن اسناد امتناع نموده است.

در هر حال، قضیه هر چه باشد، از جنبه افشای دیپلماسی سری دولت‌های سرمایه‌داری حائز اهمیت است. وقتی که توده‌های کارگر و زحمتکش مردم ایران اخباری از این اسناد را از طریق رسانه‌ها می‌شوند و می‌بینند، می‌توانند دریابند که وقتی در یک دولت بورژوازی به اصطلاح "قانون‌مدار" نظیر آمریکا، دیپلماسی سری در همین محدوده کوچک انتشار و افشای این اسناد، چه فجایعی به بار آورده است، در یک رژیم بی‌قانون و کاملاً استبدادی بورژوائی، از نمونه جمهوری اسلامی چه‌ها می‌گذرد. رژیمی که تمام موجودیتش، بر اختناق، استبداد، کشتار، فریب، توطئه و دروغ استوار است، دیپلماسی مخفی آن، بی‌نهایت سری و فاجعه‌بار است. به نحوی که مردم ایران حتا کمترین اطلاعات واقعی از سیاست خارجی این رژیم به دست نمی‌آورند. این رژیم دائماً در حال زد و بند و معامله با دولت‌های دیگر است، بدون این که مردم ایران از آن‌ها آگاه شوند. این رژیم همواره در توطئه‌ها، کشتارها و ترورها در سراسر جهان نقش داشته و دارد، اما مردم ایران از آن‌ها بی‌خبرند. این رژیم، همه ساله میلیاردها دلار از حاصل دسترنج کارگران و زحمتکشان ایران را صرف سازماندهی گروه‌های اسلام‌گرا در کشورهای مختلف و دخالت و نفوذ در کشورهای دیگر برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خودمی‌کند، اما کلامی هم در مورد آن به مردم ایران گفته نمی‌شود.

دیپلماسی سری، ابزاری در دست طبقات ارتجاعی، در خدمت منافع آن‌ها و علیه منافع توده‌های زحمتکش مردم در سراسر جهان است. منافع طبقه کارگر و عموم توده‌های زحمتکش مردم در برافتادن رسم دیپلماسی سری است. از همین روست که برای نخستین بار در تاریخ بشریت، این طبقه کارگر بود که دیپلماسی سری را ملغاء اعلام نمود و

نخستین اقدام انقلاب کارگری و سوسیالیستی روسیه در دوران لنین در عرصه سیاست خارجی، لغو دیپلماسی سری و افشاء و لغو تمام قراردادهای اسارت‌بار و جنایتکارانه تزاریسیم بود.

این اصل که دیپلماسی سری باید برافتد، از سال‌های پیش در بخش سیاست خارجی برنامه‌ی سازمان فدائیان (اقلیت) جای گرفته است. در برنامه سازمان ما آمده است: باید "رسم دیپلماسی مخفی و سری برافتد و عموم مردم از تمام مناسبات، مذاکرات عقد قراردادها و پیمان‌ها با دول دیگر آگاهی داشته باشند." بورژوازی هرگز دیپلماسی سری را ملغاء نخواهد کرد. سازمان فدائیان (اقلیت) که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار فوری حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان ایران است، لغو دیپلماسی سری را اصل سیاست خارجی حکومت شورائی اعلام کرده است.